

DOI: <https://doi.org/10.30512/kq.2021.16322.3039>

خاستگاه تاریخی و جغرافیایی جعل و نشر احادیث «خوردن گوشت حرام توسط پیامبر (ص)»*

مرجان شیرى محمدآبادی^۱

نصرت نیل ساز^۲

کاظم قاضی زاده^۳

نهلہ غروی نائینی^۴

چکیده

روایات جعلی حاکمی از خوردن گوشت حرام توسط پیامبر (ص)، با سه تحریر مختلف و طرق متعددی در منابع روایی اهل سنت نقل شده است. در این پژوهش با استفاده از شیوه‌های مختلف تاریخ‌گذاری احادیث، خاستگاه تاریخی و جغرافیایی و علل پیدایش و نشر این روایات نشان داده می‌شود. گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و بررسی داده‌ها به شکل توصیفی-تحلیلی است. این روایات به احتمال زیاد در ابتدا توسط سعید بن زید با هدف ترفیع جایگاه اجتماعی خود قبل از سال ۵۱ جعل و در مدینه نقل شده، سپس عبدالله بن عمر با اخذ روایت سعید و اصلاح و تغییر آن، تحریر خود را قبل از سال ۷۴ نشر داده است. درباره جعل تحریر سوم، تحریر منقول از زید بن حارثه، تنها می‌توان ادعا کرد که خود زید جعل و راوی آن نبوده و جعل آن با آگاهی از دو تحریر دیگر و پیوند آنها با خبری تاریخی، تحریری مفصل و مبسوط ارائه و نشر داده است. واژگان کلیدی: خاستگاه تاریخی و جغرافیایی، تاریخ‌گذاری، کهن‌ترین منبع، راوی مشترک، تحلیل اسناد و متن.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران / Marjan.shiri@modares.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / nilsaz@modares.ac.ir

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران / k.ghazizadeh@modares.ac.ir

۴. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران / Naeeni-n@modares.ac.ir

۱- طرح مسأله

به احادیث جعلی در حوزه عقاید، فقه و اخلاق نمی‌توان استناد کرد، اما با تاریخ‌گذاری این دست احادیث می‌توان به اطلاعات ارزشمندی درباره جاعل یا جاعلان آنها، خاستگاه تاریخی و جغرافیایی پیدایش آنها، دغدغه‌ها و چالش‌های گوناگون فکری، سیاسی، اجتماعی جامعه‌ای که در آن ساخته شده‌اند و سیر تغییرات و تطور این روایات دست یافت. در برخی منابع روایی اهل سنت روایتی جعلی با طرق و متون مختلفی درباره ملاقات پیامبر (ص) قبل از بعثت با زید بن عمرو بن نفیل (یکی از حنفاء دوران جاهلیت) نقل شده است که بیانگر خوردن گوشت حیوانی که برای بت‌ها قربانی یا بی‌ذکر نام خداوند ذبح شده بود، توسط پیامبر (ص) است. مضمون مشترک این روایات بدین شرح است: «انَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) لَقِيَ زَيْدَ بْنَ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ فَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) سُفْرَةً فِيهَا لَحْمٌ فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا، ثُمَّ قَالَ: إِنِّي لَا أَكُلُ مِمَّا تَذْبَحُونَ عَلَيَّ أَنْصَابِكُمْ وَلَا أَكُلُ إِلَّا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ». برخی از این روایات، علاوه بر دلالت بر تناول این گوشت توسط پیامبر (ص)، بیانگر ذبح قربانی برای بت‌ها توسط آن حضرت هستند. این روایات با ۱۷ متن و ۱۹ سند در ۹ منبع روایی اهل سنت در سه قرن نخست آمده‌اند.

این روایات توسط عالمان بزرگی بررسی و نقد شده‌اند که از آن جمله، می‌توان به نقد این روایت توسط سید بن طاووس در کتاب «الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف» (ابن طاووس، ۱۳۹۹، ص ۳۷۰): جعفر مرتضی عاملی در «الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص)» (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، صص ۹۴-۹۸) و سبحانی در «الحديث النبوي بين الرواية والدراية» (سبحانی، ۱۴۱۹، صص ۵۷۰-۵۷۳) اشاره کرد. اما تاکنون خاستگاه تاریخی و جغرافیایی جعل و نشر آنها، با استفاده از شیوه‌های مختلف تاریخ‌گذاری شناسایی نشده است، این شیوه‌ها خاستگاه غربی دارند. از آنجا که خاورشناسان از حدیث به عنوان منبعی برای بازسازی تاریخ اسلام و آموزه‌های آن، یعنی تاریخ فقه، تاریخ کلام، تاریخ تفسیر و غیره استفاده می‌کنند، با ابداع شیوه‌های مختلف به تاریخ‌گذاری روایات پرداخته‌اند، این روش‌ها از اواخر قرن نوزدهم میلادی تاکنون، به تدریج پیدا، نقد و اصلاح شده‌اند (برای تفصیل بیشتر نک. موتسکی، ۱۳۹۴ «الف»، صص ۲۱-۸۰/ شیری و نیل‌ساز، ۱۳۹۹، صص ۲۵۱-۲۸۲). با تاریخ‌گذاری احادیث جعلی، خاستگاه مکانی-زمانی پیدایش و نشر آنها، شرایط اجتماعی-سیاسی آن دوران و کارکردهای روایات مشخص می‌شود. در این مقاله، ابتدا روایات خوردن گوشت حرام توسط پیامبر (ص) نقد و بررسی شده و سپس با استفاده از روش‌های: یافتن در کهن‌ترین منبع، تحلیل اسناد و یافتن راوی مشترک، تحلیل محتوا و شناسایی تحولات متن در گذر زمان، ضمن شناسایی خاستگاه تاریخی و جغرافیایی جعل و نشر روایات مورد نظر، کارکرد این روایات تبیین و تحلیل می‌شود. سؤال اصلی این پژوهش این است که خاستگاه زمانی و جغرافیایی پیدایش و نشر روایات خوردن گوشت حرام و علت جعل و نشر آنها چیست؟

۲- نقد و بررسی

روایات خوردن گوشت حیوانی که برای بت‌ها قربانی یا بی‌ذکر نام خداوند ذبح شده بود، توسط پیامبر (ص) با عصمت آن حضرت در مفهوم گسترده آن که دوره قبل از بعثت را هم در برمی‌گیرد، ناسازگار است. برخی از عالمان اهل سنت، به سبب وجود دو تحریر از این روایت در صحیح بخاری و نیز دیدگاه متعصبانه نسبت به این کتاب، در صدد تأویل و توجیه مفهوم روایت بر آمده‌اند. در مقابل، برخی دانشمندان این توجیحات را سست و ضعیف دانسته و رد کرده‌اند. در ابتدا توجیه‌هایی که توسط برخی برای این روایات آمده، مطرح و پس از هر توجیه نقد آن آورده می‌شود.

۱. ادعا شده که آن گوشت را قریش فراهم کرده و در اختیار پیامبر (ص) گذاشته است، آن حضرت از خوردن گوشت امتناع کرد و آن را به زید بن عمرو بن نفیل داد که زید هم آن را نپذیرفت و مخاطب این گفته زید: «إِنِّي لَا أَكُلُ مِمَّا تَدْبَحُونَ عَلَيَّ أَنْصَابِكُمْ» قریشیانی بودند که گوشت را فراهم کرده بودند و نه پیامبر اکرم (ص) (ابن حجر، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۰۸).

نقد: اولاً، این صرفاً یک ادعا است و هیچ شهادی بر آن ذکر نشده است (ابن حجر، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۰۸). ثانیاً، اگرچه این احتمال، پیامبر (ص) را از خوردن گوشت حرام تبرئه می‌کند، اما دعوت دیگران به کار ناپسند (امر به منکر)، بسیار قبیح (حسینی میلانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۳۲) و مخالف عصمت آن حضرت است.

۲. خطابی می‌گوید: نُصِب، سنگ‌هایی بود که اطراف کعبه نهاده شده بود تا بر روی آنها بت‌ها قربانی کنند. پیامبر (ص)، از گوشت حیوانی که برای بت‌ها قربانی می‌شد نمی‌خوردند، بلکه از گوشت حیوانی که بر روی آن سنگها (نصب) ذبح می‌شد، می‌خوردند گرچه با نام خداوند ذبح نشده بود، زیرا در آن زمان این حکم شرعی وجود نداشت (ابن حجر، بی‌تا، ج ۷، صص ۱۰۸-۱۰۹). سهیلی هم ادعا می‌کند که در دین حضرت ابراهیم (ع)، فقط گوشت مردار حرام بوده، نه گوشت حیوانی که بی‌ذکر نام خداوند ذبح شده است (سهیلی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۶).

نقد: بخاری خود این روایت را در باب (ما ذبح علی النصب و الأضنام) آورده؛ چراکه روایت صراحت دارد که گوشتِ قربانی بت‌ها بوده است (حسینی میلانی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۳۵). بعلاوه، گرچه در آن زمان، احکام اسلام وجود نداشتند، اما در ادیان قبل از اسلام و به خصوص شریعت حضرت ابراهیم (ع) که پیامبر (ص) پیرو آن بودند، حکم ذکر نام خداوند بر قربانی وجود داشته است، زیرا خداوند خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أُوحِيَ إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا﴾ (النحل: ۱۶/۱۲۳) (زرکشی، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۷۹۷). شاهد دیگر وجود این حکم در دین ابراهیم (ع)، آیه ۱۳۸ سوره انعام: ﴿... وَ أَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا...﴾ است که بر اساس این آیه، مشرکان هم حکم ذبح قربانی با نام خداوند را می‌دانستند و تنها برخی قربانی‌ها را بی‌ذکر نام خداوند قربانی می‌کردند و نه تمامی آنها را.

۳. سهیلی ادعا کرده که زید بن عمرو بن نفیل براساس رأی و اندیشه شخصی از خوردن گوشتی که با نام خداوند ذبح نشده بود و گوشت قربانی شده بر نصب خودداری می‌کرده است، نه اینکه در ادیان گذشته چنین

حکمی وجود داشته باشد (سهیلی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۵۶). در مقابل داودی ادعا کرده است که پیامبر (ص)، از کارهای مشرکان دوری می‌کردند، اما درباره احکام ذبح حیوانات بی‌خبر بودند، در حالی که زید بن عمرو این مطلب را از اهل کتاب دریافته بود (ابن حجر، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۰۹).

نقد: بنابر هر دو توجیه مذکور، زید عاقل‌تر و با معرفت‌تر و آگاه‌تر به معرفت الهی و دین حنیف و شایسته‌تر برای مقام نبوت از پیامبر (ص) بوده است (عاملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۹۵). در نتیجه، انتخاب حضرت محمد (ص) برای مقام نبوت، ترجیح فاضل بر افضل است که این کار خلاف سیره عقلاء و مخالف حکمت الهی است. ۴. ابن جوزی می‌گوید: زید گمان کرده که آن گوشتِ قربانی بی‌نام خداوند است و یا گوشت قربانی برای نصب است، اما چنین نبوده، پیامبر (ص) پیرو دین حضرت ابراهیم (ع) بودند و از گوشت حرام نمی‌خوردند (ابن جوزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۷۸).

نقد: صرفاً یک احتمال است که مخالف با ظاهر روایت است.

۵. حربی ادعا می‌کند که زید بن حارثه بی‌اذن پیامبر (ص)، برای بت‌ها قربانی کرده و از گوشت آن غذا تهیه کرده است (حربی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۷۹۰).

نقد: روایت بخاری مجمل است، اما چندین روایت مفصل دیگر در این باره در منابع متعددی از جمله سنن نسائی ذکر شده که صراحتاً می‌گویند: پیامبر (ص) و زید بن حارثه با هم برای بتی قربانی کردند و بعد از نهبی زید بن عمرو، آن حضرت دیگر از چنین گوشتی نخوردند. در تفسیر روایات هم لازم است که روایت مجمل را بر مفسر حمل کرد، بنابراین، این ادعا باطل است (کورانی عاملی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۹۶).

۳- تحلیل محتوا

روش تحلیل محتوا، روشی برای یافتن نتایج پژوهش از طریق تعیین عینی و منظم ویژگی‌های مشخص پیام است (هولستی، ۱۳۷۳، ص ۲۸) و دو صورت کمی و کیفی دارد. در روش کمی، واحد اطلاعاتی پایه، بسامد ظهور برخی از خصوصیات محتوای متن است. در روش کیفی، واحد اطلاعاتی پایه ظهور یا غیبت یک خصیصه است و شمار اندکی از اطلاعات مرکب و مفصل تحلیل می‌شود (کیوی/ کامپنهود، ۱۳۷۳، ص ۲۲۳). این دو روش، مکمل یکدیگرند (اتسلندر، ۱۳۷۱، ص ۶۷). در تحلیل محتوا، ابتدا متن مورد نظر گدگذاری می‌شود. هر کد باید بیانگر اطلاعات خاصی باشد، سپس کدها در مقوله‌ها یا زیر مقوله‌های مختلف قرار داده می‌شوند (طالب، ۱۳۶۹، صص ۲۱۷-۲۱۹). به منظور تحلیل محتوای احادیث بیانگر خوردن گوشت حرام توسط پیامبر (ص)، ابتدا مقوله‌های این روایات و سپس زیر مقوله‌ها و کدهای آنها تعیین، شناسه زیر مقوله‌ها با یک حرف لاتین و کدهای این زیر مقوله‌ها با افزودن توان به همان حرف مشخص و در جدول‌هایی ارائه می‌شود.^۱

۱. ترتیب احادیث در جدول‌ها بر اساس ترتیب تاریخی منابع و ترتیب ذکر روایات در آن منابع است.

بررسی این روایات نشان می‌دهد که در روایات مذکور، سه مقوله یا به عبارت دیگر، چهار موضوع اصلی وجود دارد، که هر کدام شامل چندین زیرمقوله (موضوع فرعی) است، این زیرمقوله‌ها هم حاوی کدهای خاصی (موضوعات فرعی تر) هستند:

۱. مقوله اول: بستر ماجرا با زیرمقوله‌های: الف: شرایط ملاقات=A، با کدهای: در جوانی پیامبر (ص)=A¹، قبل از نبوت=A²، در اسفل بلدح=A³، در اعلی وادی=A⁴، در بازگشت از طائف در اعلی مکه=A⁵، در یکی از روزهای گرم مکه=A⁶، ملاقات زید بن عمرو با پیامبر (ص) و زید بن حارثة در مکه=A⁷، سلام به شیوه جاهلی به هنگام ملاقات=A⁸.

ب: معرفی زید بن عمرو=B، با کدهای: معروف به ترک بت پرستی=B¹، معروف به نخوردن گوشت قربانی بت‌ها=B²، نهی از ذبح بی ذکر نام خداوند=B³، نفرت قریش از وی=B⁴، آگاه از گمراهی قریش (بت پرستان)=B⁵.

ج: شرح سفرهای زید بن عمرو در جستجوی دین توحیدی=C، با کدهای: ملاقات با احبار یثرب و ردّ دین آنها=C¹، ملاقات با احبار خیبر و ردّ دین آنها=C²، ملاقات با احبار شام و ردّ دین آنها=C³، ملاقات با احبار فدک و ردّ دین آنها=C⁴، ملاقات با احبار ایلة و ردّ دین آنها=C⁵، اخبار یک جبر شامی از پیرمرد موحدی در جزیره=C⁶، رفتن زید نزد آن پیرمرد و سؤال پیرمرد درباره سرزمین زید=C⁷، اخبار پیرمرد از دین حق=C⁸، پیش‌بینی ظهور پیامبر اسلام و توصیه به ایمان به وی=C⁹، انتظار زید برای ظهور پیامبر (ص)=C¹⁰.

۲. مقوله دوم: اصل ماجرا با زیرمقوله‌های: الف: چگونگی تهیه غذا=D، با کدهای: از گوشت مذبوح برای اصنام و اوئان=D¹، گوشت مذبوح برای نصب=D²، ذبح قربانی برای/ بر روی نصب توسط پیامبر (ص) و زید بن حارثة و تهیه غذا از آن=D³.

ب: چگونگی صرف غذا=E، با کدهای: خوردن غذا توسط پیامبر (ص) و زید بن حارثة=E¹، دعوت پیامبر (ص) زید بن عمرو را به غذا=E²، دعوت پیامبر (ص) و ابن حارثة، زید بن عمرو را به غذا=E³، خودداری پیامبر (ص) از خوردن غذا=E⁴.

ج: واکنش زید بن عمرو در برابر دعوت به غذا=F، با کدهای: پرسش درباره ماهیت غذا=F¹، اعلام امتناع از خوردن قربانی اوئان=F²، اعلام امتناع از خوردن قربانی نصب=F³، اعلام امتناع از خوردن قربانی بی ذکر نام خدا=F⁴، اعلام امتناع از خوردن قربانی برای غیر خداوند=F⁵، خرده‌گیری بر بت‌ها=F⁶، سرزنش بت پرستان=F⁷، سرزنش قربانی کنندگان برای بت‌ها=F⁸، معرفی بت‌ها=F⁹.

۳. مقوله سوم: تأثیر سخنان زید بن عمرو بر پیامبر (ص) با زیرمقوله‌های: الف: در کردار پیامبر (ص)=G، با کدهای: پرهیز از مس بت‌ها=G¹، خودداری از ذبح برای بت‌ها=G²، نخوردن قربانی برای/ بر روی نصب=G³. ب: در گفتار پیامبر (ص)=H، با کدهای: نهی پیامبر (ص) زید بن حارثة را از مس بت‌ها=H¹، طلب استغفار پس از نبوت برای زید بن عمرو به درخواست پسر او=H²، اخبار از جایگاه نیکوی اخروی زید بن عمرو پس از نبوت=H³، ستایش زید بن عمرو پس از نبوت=H⁴.

شماره حدیث	رُفَع	رُفَع	بستر ماجرا		اصل ماجرا				تأثیر سخنان زید بن عمرو بر پیامبر (ص)		
			شرایط ملاقات = A	معرفی زید بن عمرو = B	شرح سفر زید در جستجوی دین تو حیدری = C	چگونگی تهیه غذا = D	چگونگی صرف غذا = E	واکنش زید بن عمرو در برابر دعوت به غذا = F	در کردار پیامبر (ص) = G	در گفتار پیامبر (ص) = H	
۱	سیره ابن اسحاق	یونسند	A ^۱ /A ^۵	B ^۱ /B ^۲			D ^۱	E ^۲	F ^۱ /F ^۲ /F ^۶ /F ^۷ / F ^۸ /F ^۹	G ^۱ /G ^۲	H ^۴
۲	"	هشام بن سعید						E ^۳	F ^۳	G ^۳	
۳	مسند طرابلسی	سعید بن زید						E ^۱ /E ^۳	F ^۳		H ^۲ /H ^۳
۴	الطبقات الکبری	عبدالله بن عمر	A ^۲ / A ^۳					E ^۲	F ^۳ /F ^۴		
۵	مسند ابن جنبل	سعید بن زید	A ^۷					E ^۳	F ^۳	G ^۳	H ^۲ /H ^۳
۶	"	عبدالله بن عمر	A ^۲ / A ^۳					E ^۲	F ^۳ /F ^۴		
۷	"	"	A ^۲ / A ^۳					E ^۲	F ^۳ /F ^۴		
۸	صحیح بخاری	"	A ^۲ / A ^۳	B ^۳				E ^۴	F ^۳ /F ^۴		

		F ³ /F ⁴	E ²				A ² / A ³	"	"	۹
		F ⁵	E ³					زید بن حارثه	عزیم الحدیث	۱۰
		F ⁵	E ³	D ³				"	"	۱۱
		F ³ /F ⁴	E ²				A ² / A ³	عبدالله بن عمر	"	۱۲
		F ³	E ¹ /E ³					سعید بن زید	"	۱۳
		F ³ /F ⁴	E ²				A ² / A ³	عبدالله بن عمر	بلاذری	۱۴
H ¹ /H ³		F ¹ /F ⁵	E ³	D ³	C ¹ /C ² /C ³ /C ⁶ /C ⁷ / C ⁹ /C ¹⁰	B ⁴ /B ⁵	A ⁴ / A ⁶ / A ⁸	زید بن حارثه	الأحاد و المعانی	۱۵
H ¹ /H ³	G ¹	F ¹ /F ⁵	E ³	D ³	C ¹ /C ² /C ⁴ /C ⁵ /C ⁶ / C ⁸ /C ⁹ /C ¹⁰	B ⁴ /B ⁵	A ⁴ / A ⁶ / A ⁸	"	سنن نسائی	۱۶
		F ³ /F ⁴	E ²				A ² / A ³	عبدالله بن عمر	"	۱۷

۴- تاریخ‌گذاری احادیث

روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث عبارتند از: ۱. تحلیل متنی ۲. تاریخ‌گذاری بر اساس کهن‌ترین منبع ۳. تحلیل سندی ۴. تحلیل متنی-سندی (نک: موتسکی، ۱۳۹۴ «الف»، صص ۲۱-۲۳). روش تحلیل متنی-سندی که در واقع ترکیبی از دو روش تحلیل متنی و تحلیل سندی است، از سایر روش‌ها دارای دقت و اعتبار بیشتری است (Schoeler, 2011, p. 15).

۴-۱- تاریخ‌گذاری بر اساس کهن‌ترین منبع

یکی از روش‌های تاریخ‌گذاری احادیث، شناسایی کهن‌ترین منبعی است که روایت برای اولین بار در آن آمده است. نخستین فردی که این روش را به‌عنوان یک قاعده ذکر و بارها از آن استفاده کرد، شاخت (Schacht, 1969) بود. شاخت و ینبل (Juynboll, 2010) ادعا کردند زمان و مکان تألیف قدیمی‌ترین منبعی که روایتی خاص در آن موجود است، حد اولیّه زمانی یا حد زمانی آغازین (post quem terminus) پیدایی آن روایت را نشان می‌دهد، زودترین زمانی که ممکن است آن روایت وجود داشته باشد، یعنی روایت پیش از آن زمان وجود نداشته است (موتسکی، ۱۳۹۰، ص ۵۴). اما چنان‌که موتسکی (Motzki, 2019) و شولر (Schoeler) به درستی گفته‌اند این روش تنها می‌تواند حدّ زمانی پایانی (terminus ante quem) پیدایش یک روایت را نشان دهد، دیرترین زمانی که ممکن است یک واقعه تاریخی رخ داده باشد، یعنی روایت، حداقل در زمان تألیف آن کتاب موجود بوده، اما نشان نمی‌دهد که آیا قبل از آن زمان وجود داشته است یا نه؟ (موتسکی، ۱۳۹۴ «الف»، صص ۳۳-۴۰).

احادیث حاکی از خوردن گوشت حرام توسط پیامبر (ص) در ۹ منبع سه قرن نخست، به نقل از سه صحابی، زید بن حارثه، سعید بن زید بن عمرو بن نفیل، ابن عمر و یک تابعی به نام هشام بن سعید، آمده است. تنها عبد الله بن عمر، روایتش را از پیامبر (ص) نقل کرده، به عبارت دیگر، روایت وی حدیث نبوی است. البته، یک روایت هم در سیره ابن اسحاق بدون سند به پیامبر (ص) اسناد داده شده است.

در کهن‌ترین منبع، سیره ابن اسحاق (م. ۱۵۱)، دو تحریر آمده، یکی بی‌سند و شامل هر سه مقوله روایت است. این تحریر تنها زیرمقوله (شرح سفر زید در جستجوی دین توحیدی=C) را ندارد (نک: جدول، ح ۱) و دیگری حاوی دو مقوله دوم و سوم است و با سند منقطع از هشام بن سعید نقل شده است (نک: جدول، ح ۲). منبع بعدی، مسند طیالسی (م. ۲۰۴)، است که در آن تحریری از سعید بن زید با دو مقوله آخر روایت آمده است (نک: جدول، ح ۳).

در منبع سوم، الطبقات الکبری ابن سعد (م. ۲۳۰)، تحریری شامل دو مقوله اول روایت از عبدالله بن عمر با سه سند ذکر شده است (نک: جدول، ح ۴).

در مسند احمد بن حنبل (م. ۲۴۱)، یک تحریر از سعید بن زید با هر سه مقوله روایت، اما فاقد برخی زیرمقوله‌ها (نک: جدول، ح ۵) و دو تحریر از عبدالله بن عمر با دو مقوله اول روایت آمده است. دو راوی ابتدای

سند این دو تحریر متفاوتند و بقیه سند یکسان است، متون این دو تحریر هم تفاوت بسیار ناچیزی دارند و کدهای آنها یکی است (نک: جدول، ح ۶ و ۷). احمد بن حنبل یکی از این تحریرها (ح ۶) را دوبار در مسند آورده که سند آن با یکی از سندهای ابن سعد یکسان و متون آنها هم تقریباً یکی است. بنابراین، تا اینجا سه متن منتسب به عبدالله بن عمر با ۴ سند نقل شده که متون آنها تقریباً یکی است.

در منبع پنجم، صحیح بخاری (م ۲۵۶)، دو تحریر از عبدالله بن عمر آمده است. سند این دو تحریر، تنها در دو روای ابتدایی متفاوتند، اما ویژگی‌های متون آنها یکسان نیستند (نک: جدول، ح ۶ و ۷). یکی از این تحریرها (ح ۹) که سندش با یکی از سندهای تحریر ابن سعد، یکسان است، در ویژگی‌های متنی هم با تحریر ابن سعد یکسان است.

بیشترین تحریرهای این روایت، یعنی ۴ تحریر در غریب الحدیث حربی (م ۲۸۵) آمده است: دو تحریر از زید بن حارثه، یک تحریر از عبدالله بن عمر و تحریری از سعید بن زید (نک: جدول، ح ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰). تحریرهای زید بن حارثه و سعید بن زید، تنها شامل مقوله دوم این روایت، یعنی اصل ماجرا هستند (نک: جدول، ح ۱۰، ۱۱، ۱۳). سند تحریر منقول از عبدالله بن عمر، با یکی از سندهای تحریر ابن سعد و ابن حنبل یکسان و ویژگی‌های متون آنها هم یکی است (نک: جدول، ح ۴، ۶، ۱۲).

در منبع بعدی، انساب الأشراف بلاذری (م ۲۷۹)، یک تحریر از عبدالله بن عمر ذکر شده، بلاذری این روایت را از ابن سعد نقل کرده است و متن آن هم با تفاوت بسیار ناچیزی، همان کدهای روایت ابن سعد را دارد (نک: جدول، ح ۴ و ۱۴).

در منبع هشتم، الأحاد و المثانی ابن ابی عاصم (م ۲۸۷)، تحریر مفصلی از زید بن حارثه نقل شده، این تحریر شامل هر سه مقوله و زیرمقوله‌های آنهاست، البته، چند کد را ندارد (نک: جدول، ح ۱۵). این کتاب، اولین منبعی است که تحریر مفصلی از این روایت را نقل کرده است.

در آخرین منبع، سنن نسائی (م ۳۰۳)، دو تحریر، یکی از زید بن حارثه و دیگری از عبدالله بن عمر نقل شده است. تحریر منقول از زید بن حارثه، مانند تحریری که ابن ابی عاصم از وی آورده، شامل همه مقوله‌ها و زیرمقوله‌های روایت است (نک: جدول، ح ۱۵ و ۱۶). سند این تحریر متفاوت از سند روایت ابن ابی عاصم و مشابه سندهای حربی در تحریرهای زید بن حارثه با تفاوت در مشایخ حربی و نسائی است. متن تحریر منقول از عبدالله بن عمر هم، مانند دیگر تحریرهای ابن عمر است (نک: جدول، ح ۱۷).

نتیجه: بر اساس بررسی‌های فوق، کهن‌ترین منبع این روایات، سیره ابن اسحاق است، بنابراین، روایت با هر سه مقوله‌اش در نیمه اول قرن دوم وجود داشته است، تنها زیرمقوله (شرح سفر زید در جستجوی دین توحیدی=C)، در این منبع نیامده است. این زیرمقوله، نخستین بار در کتاب الأحاد و المثانی ابن ابی عاصم ذکر شده، در نتیجه، ظاهراً در نیمه دوم قرن دوم، این زیرمقوله به روایت افزوده شده است. اما در المعجم الکبیر طبرانی (م ۳۶۰)، روایتی با این زیرمقوله به نقل از احمد بن حنبل آمده است (نک: طبرانی، بی تا، ج ۵، صص ۸۶-۸۷)،

گرچه این روایت در نسخه چاپی مسند احمد بن حنبل ذکر نشده، اما با توجه به نقل طبرانی از احمد بن حنبل، تاریخ پیدایش این زیرمقوله، نیم قرن عقب‌تر می‌رود.

۴-۲- تاریخ‌گذاری بر اساس حلقه مشترک

شاخت و پس از او ینبل، با رسم اسانید مختلف یک روایت، فردی را که پس از او سلسله سندها انشعاب می‌یابد، یعنی افراد متعددی از وی روایت را شنیده و نقل کرده‌اند، «حلقه مشترک» (Common Link) نامیدند و او را هم جاعل متن حدیث و هم جاعل بخش متقدم سند که او را به کهن‌ترین مرجع متصل می‌کند، دانسته‌اند. اما شولر و موتسکی حلقه مشترک را نه لزوماً جاعل حدیث، بلکه اولین نشردهنده نظام‌مند حدیث دانسته و گفته‌اند: حلقه مشترک، نشان‌دهنده وجود حدیث در زمان وی است، اما نمی‌توان ادعا کرد که قبل از وی، آن روایت نبوده است (نک: موتسکی، ۱۳۹۴ «ب»، صص ۳۳۴-۳۳۹). هرگاه برخی شاگردان حلقه مشترک، خود چند شاگرد داشته باشند که راوی روایت او باشند، شاگرد حلقه مشترک را حلقه مشترک فرعی (Partial Common Link) می‌نامیم (ینبل، ۱۳۹۴، ص ۴۱۹). به‌منظور تاریخ‌گذاری این احادیث بر اساس حلقه مشترک (از این پس CL)، این روایات به ترتیب تاریخ وفات مراجع آنها بررسی و CLها و حلقه‌های مشترک فرعی (از این پس PCL) مشخص می‌شوند.

زید بن حارثة: زید بن حارثة (م. ۸)، متقدمترین صحابی راوی این روایت، مولی و پسرخوانده رسول الله (ص) است که در سن پنجاه و پنج سالگی در جنگ مؤته به شهادت رسید (مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۳۵-۳۸). چهار متن و ۵ سند از وی نقل شده است. تنها راوی وی، پسرش، اسامة بن زید (م. ۵۴)، با دو راوی، CL است. از وی، ابوسلمة بن عبدالرحمان بن عوف (م. ۱۰۴ یا ۹۴) تابعی و مدنی و یحیی بن عبدالرحمان بن حاطب (م. ۱۰۴) تابعی و مدنی روایت کرده‌اند. در طبقه بعد تنها، محمد بن عمرو بن علقمة مدنی (م. ۱۴۴-۱۴۵) راوی این روایت است، او روایت را از ابوسلمة و یحیی بن عبدالرحمان نقل کرده است. از وی، سه نفر: خالد بن عبدالله واسطی (م. ۱۷۹-۱۸۲)، ابواسامة کوفی: حماد بن أسامة، (م. ۲۰۲) و عبدالوهاب روایت کرده‌اند. در نتیجه، محمد بن عمرو، PCL است.

در سند منقول از عبدالوهاب، مشخص نیست که وی چه کسی است و در منابع رجالی در بین راویان محمد بن عمرو، از عبدالوهاب نامی، یاد نشده است. اما با بررسی راویانی که عبدالوهاب نام دارند، مشاهده می‌کنیم که یکی از مشایخ عبدالوهاب بن عطاء (م. ۲۰۴-۲۰۶) بصری و ساکن بغداد، محمد بن عمرو است (مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۸، ص ۵۰۹-۵۱۶)، بنابراین، محتمل است که عبدالوهاب در سند مورد نظر، عبدالوهاب بن عطاء باشد. اما از سوی دیگر، همین سند به نقل از عبدالوهاب بن عبدالمجید بصری (م. ۱۹۴) در مسند موصلی آمده است، در حالی که محمد بن عمرو، از مشایخ وی نیست (نک: مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۸، صص ۵۰۳-۵۰۸). به هر حال، هر دو نفر چنین امکانی را از نظر زمانی داشته‌اند و هم از نظر مکانی، زیرا محمد بن عمرو، دو بار به بصره سفر کرده است (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۲۱۸).

در طبقه چهارم، ابواسامة با سه راوی بعد از محمد بن عمرو، PCL است. راویان وی عبارتند از: محمود بن غیلان (م. ۲۳۹-۲۴۹)، ساکن مرو و بغداد (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲۷، صص ۳۰۴-۳۰۹)، محمد بن علاء کوفی (م. ۲۴۸) و موسی بن حزام ترمذی (متوفی: نامعلوم)، ساکن بلخ (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲۹، صص ۵۲-۵۳). هر سه نفر از راویان ابواسامة محسوب می‌شوند و هیچ‌یک PCL نیستند.

براساس بررسی‌های فوق، اولین CL روایات منقول از زید بن حارثة، پسرش اسامة (م. ۵۴) با دو راوی است، بنابراین، روایت در نیمه قرن اول وجود داشته است. اما از آنجا که تنها یک نفر، محمد بن عمرو، راوی این روایت از دو راوی اسامة است و اکثر رجالیان او را ضعیف خوانده‌اند (نک: مزی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، صص ۲۱۲-۲۱۸)، نقل این حدیث توسط اسامة مورد تردید است. با این حال، با توجه به اینکه محمد بن عمرو، PCL است، حداقل اطمینان می‌یابیم که این روایت قبل از سال ۱۴۵، یعنی تاریخ وفات وی، وجود داشته و با توجه به راویان وی، در مدینه، واسط، کوفه، بصره و بغداد و سپس با توجه به راویان PCL بعدی، یعنی ابواسامة در مرو و بلخ هم نشر یافته است.

سعید بن زید بن عمرو: سعید بن زید بن عمرو بن نفیل (م. ۵۱-۵۲) صحابی و پسر عموی عمر بن خطاب است. از وی سه تحریر نقل شده است. راوی سعید، پسرش هشام بن سعید (متوفی: نامعلوم) و راوی هشام پسرش نفیل بن هشام (متوفی: نامعلوم) است، سند این روایت تا اینجا خانوادگی است. البته در سند یکی از این تحریرها،

به جای نفیل بن هشام، نفیل بن هاشم آمده، که با توجه به اینکه چنین راوی‌ای در کتب رجالی و در روایات دیگر ذکر نشده، هاشم تصحیف هشام است.

راوی نفیل، مسعودی، عبدالرحمن بن عبدالله کوفی (م. ۱۶۰) CL است، وی در کوفه، بصره، بغداد و مکه به نقل حدیث پرداخته است. راویان او عبارتند از: عمرو بن هشام بصری (م. ۱۹۸-۲۰۰)، ابوداود طیالسی بصری (م. ۲۰۴)، صاحب مسند که این روایت را در کتابش آورده است و یزید بن هارون واسطی (م. ۲۰۶)، یکی از مشایخ مصر و عراق. یک روایت هم، یونس بن بکر کوفی (م. ۱۹۹)، از مسعودی با سند منقطع که به هشام بن سعید ختم می‌شود، آورده است. براساس بررسی‌های فوق، تنها حلقه مشترک این روایت، مسعودی در طبقه چهارم است و روایت قبل از سال ۱۶۰ در کوفه و سپس، در بصره و واسط نشر یافته است.

عبدالله بن عمر: از دیگر صحابی راوی این روایت، ابن عمر (م. ۷۴)، ۱۰ سند و ۸ متن نقل شده است. راوی وی، پسرش سالم بن عبدالله (م. ۱۰۶) و راوی سالم، موسی بن عقبه مدنی (م. ۱۴۱-۱۴۲)، مولی آل‌زبیر و نویسنده کتاب مغازی (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲۹، صص ۱۱۵-۱۲۲) است. موسی بن عقبه، با چهار راوی، CL این روایت است. راویان او عبارتند از: وهیب بن خالد بصری (م. ۱۶۵)، زهیر بن معاویه کوفی (م. ۱۷۷-۲۰۰) ساکن جزیره (مزی، ۱۴۰۶، ج ۹، صص ۴۲۰-۴۲۶)، فضیل بن سلیمان بصری (م. ۱۸۰-۱۸۶) و عبدالعزیز بن مختار بصری (متوفی: نامعلوم).

در بین شاگردان موسی بن عقبه، تنها PCL، زهیر بن معاویه با دو راوی است: یحیی بن آدم کوفی (م. ۲۰۳) و مالک بن إسماعیل کوفی (م. ۲۱۹). در دو طبقه بعد از موسی بن عقبه، دو PCL داریم: معلی بن اسد بصری (م. ۲۱۸) و عفان بن مسلم بصری (م. ۲۲۰) ساکن بغداد. از معلی، دو نفر، ابن سعد و بخاری روایت کرده‌اند و از عفان، چهار نفر: ابن سعد، ابن حنبل، احمد بن سلیمان (م. ۲۶۱) و ابراهیم بن اسحاق حربی (م. ۲۸۵)، نویسنده کتب متعددی که روایت را در غریب الحدیث آورده است. براساس بررسی‌های فوق، روایت منقول از ابن عمر، قبل از سال ۱۴۱، یعنی تاریخ وفات موسی بن عقبه، در مدینه و توسط راویان وی در بصره، کوفه و جزیره منتشر شده است.

بنابراین، هیچ کدام از سه صحابی راوی این روایت، CL نیستند. اولین CL احتمالی این روایت، اسامة بن زید در روایات منسوب به زید بن حارثة است. بنابراین، احتمال وجود این روایت در نیمه قرن اول، یعنی قبل از وفات اسامة، مطرح می‌شود، اما همان‌طور که ذکر شد این احتمال ضعیف است. اولین CL‌های قطعی این روایات، موسی بن عقبه مدنی (م. ۱۴۱-۱۴۲)، محمد بن عمرو مدنی (م. ۱۴۴-۱۴۵) و مسعودی کوفی (م. ۱۶۰)، همگی در نیمه اول قرن دوم می‌زیستند، در نتیجه، این روایات در آن زمان وجود داشته‌اند و با توجه به راویان آنها، در مدینه، کوفه، بصره، بغداد، واسط و جزیره نشر یافته‌اند.

۴-۳- تاریخ‌گذاری بر اساس تحلیل سندی - متنی

روش تاریخ‌گذاری بر اساس تحلیل سندی-متنی پنج مرحله دارد: ۱. همه تحریرهای مختلف یک روایت گردآوری می‌شود. ۲. شبکه‌ای از اختلاف‌های سندی در قالب نمودار رسم می‌شود تا فرایند نقل به‌خوبی مستند و CLها و PCLها مشخص شود، CL عجالتاً گردآورنده یا نشردهنده روایت در نظر گرفته می‌شود. ۳. با تحلیل متنی و همچنین استفاده از مطالب منابع رجالی مشخص می‌شود که CL واقعاً گردآورنده یا نشردهنده روایت بوده یا نه؟ ۴. گروه‌های اختلافات متنی با اختلافات سندی مقایسه می‌شود تا معلوم گردد میان آنها همبستگی وجود دارد یا نه؟ ۵. در صورت وجود همبستگی می‌توان درباره متن اصیلی که CL نقل کرده و مسئول تغییرات ایجادشده در جریان نقل پس از CL، به نتیجه رسید (Motzki, 2001, p. 30). به‌منظور تاریخ‌گذاری روایات خوردن گوشت حرام، بر اساس تحلیل سندی-متنی، روایات منقول از هر یک از CLها به‌طور مجزا مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۴-۳-۱- حلقه‌های مشترک تحریرهای زید بن حارثة و ویژگی‌های متون آنها

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، در روایات منسوب به زید بن حارثة، پسرش اسامة، CL احتمالی است. این روایات، تفاوت مهمی با دو تحریر دیگر این دسته روایات دارند. در سه روایت از چهار روایت منسوب به زید آمده است که خود پیامبر (ص) به همراه زید بن حارثة برای بت‌ها قربانی کردند. تمام تحریرهای روایت زید از محمد بن عمرو، CL این روایات، نقل شده است. دو روایت مختصر و دو روایت بسیار مفصل که در دو کد (E³/F⁵) مشترکند (نک: جدول، ح ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۶).

حلقه مشترک فرعی بعد از محمد بن عمرو، ابواسامة با سه تحریر است: دو تحریر مختصر در غریب الحدیث حربی و دیگری مفصل در سنن نسائی. کدهای مشترک این روایات همان کدهای مشترک روایات محمد بن عمرو، یعنی (E³/F⁵)، است (نک: جدول، ح ۱۰، ۱۱، ۱۶). یکی از دو تحریر مختصر منقول از ابواسامة، با دو سند نقل شده که یکی از سندهایش، سند دیگر تحریر مختصر است. در واقع، تفاوت این دو سند، تنها در مروی‌عنه حربی است، او یک تحریر را از یک استادش نقل کرده و با همان سند، تحریر دیگر را از همان استاد و استاد دیگری آورده است. اما چگونگی نحوه آغاز این دو روایت متفاوت است، یک تحریر با کد (ذبح قربانی برای نصب توسط پیامبر (ص) و زید بن حارثة و تهیه غذا از آن = D³) آغاز شده، که این کد در تحریر دیگر نیامده و تحریر با عبارت (ذبحنا شاة) آغاز شده است. به احتمال زیاد، این عبارت دلالت بر کد مذکور در تحریر دیگر دارد و به سبب اختصار در این تحریر حذف شده است. این احتمال را وجود این کد در روایت مفصل منقول از ابواسامة در سنن نسائی تأیید می‌کند. در نتیجه، حداقل سه کد (D³/E³/F⁵) در تحریرهای ابواسامة مشترکند.

دیگر روایت منقول از محمد بن عمرو، را خالد بن عبدالله نقل کرده، که روایت مفصلی است. این روایت بسیار مشابه روایت مفصل ابواسامة است، کدهای مشترک این دو روایت (نک: جدول، ح ۱۵ و ۱۶) عبارتند از: (A⁴/A⁶/A⁸/B⁴/B⁵/C¹/C²/C⁶/C⁹/C¹⁰/D³/E³/F¹/F⁵/H¹/H³). از روای دیگر محمد بن عمرو،

عبدالوهاب، متنی در منابع سه قرن نخست ذکر نشده، اما در منابع بعدی (نک: موصلی، ج ۱۳، ص ۱۷۲/ ابن عساکر، ج ۱۹، ص ۵۱۰)، متن مفصلی ذکر شده، که بسیار مشابه دو متن مفصل دیگر است.

در نتیجه، متن روایت منقول از محمد بن عمرو، مفصل بوده و با توجه به متون منقول مفصل از هر سه راوی وی، حداقل شامل کدهای (A⁴/ A⁶/ A⁸/ B⁴/ B⁵/ C¹/ C²/ C⁶/ C⁷/ C⁹/ C¹⁰/ D³/ E³/ F¹/ F⁵/ H¹/ H³) بوده است. در واقع بر اساس دو متن منقول از عبدالوهاب در منابع بعدی، تنها کد (C⁷) به کدهای مشترک روایات خالد و ابواسامه افزوده می‌شود که در سه روایت از این چهار روایت آمده است. روایت منقول از محمد بن عمرو حداقل، بدین شرح بوده است: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ هُوَ مُرْدِفِي إِلَى نُصْبٍ مِنَ الْأَنْصَابِ فَذَبَحْنَا لَهُ شَاةً ثُمَّ صَنَعْنَاهَا لَهُ حَتَّى إِذَا نَضَجَتْ جَعَلْنَاهَا فِي سَفَرَتِنَا، ثُمَّ أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَسِيرٌ وَ هُوَ مُرْدِفِي فِي يَوْمٍ حَارٍّ مِنْ أَيَّامِ مَكَّةَ، حَتَّى إِذَا كُنَّا بِأَعْلَى الْوَادِي لَقِيَهُ زَيْدُ بْنُ عَمْرٍو وَ بَنُ نُفَيْلٍ، فَحَيَّا أَحَدَهُمَا الْآخَرَ بِتَحِيَّةِ الْجَاهِلِيَّةِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَا لِي أَرَى قَوْمَكَ قَدْ سَنَفُوا لَكَ؟» فَقَالَ: «أَمَّا وَاللَّهِ إِنْ ذَلِكَ لَيَغَيِّرُ نَائِرَةَ كَانَتْ مِنِّي إِلَيْهِمْ، وَ لَكِنِّي أَرَاهُمْ عَلَى ضَلَالَةٍ. فَخَرَجْتُ أَبْتِغِي هَذَا الدِّينَ حَتَّى قَدِمْتُ عَلَى أَحْبَابٍ يَثْرِبَ فَوَجَدْتُهُمْ يَعْبُدُونَ اللَّهَ وَ يُشْرِكُونَ بِهِ. فَقُلْتُ: مَا هَذَا بِالَّذِينَ الَّذِينَ أَبْتِغِي، فَخَرَجْتُ حَتَّى أَقْدَمَ عَلَى أَحْبَابٍ خَبِيرٍ، فَوَجَدْتُهُمْ يَعْبُدُونَ اللَّهَ وَ يُشْرِكُونَ بِهِ، فَقُلْتُ: مَا هَذَا بِالَّذِينَ الَّذِينَ أَبْتِغِي، فَقَالَ لِي جِبْرِ مِنْ أَحْبَابِ الشَّامِ: أَسْتَسْئَلُ عَنْ دِينٍ مَا تَعْلَمُ أَحَدًا يَعْبُدُ اللَّهَ بِهِ إِلَّا شَيْخًا بِالْجَزِيرَةِ، فَخَرَجْتُ فَقَدِمْتُ عَلَيْهِ، فَأَخْبَرْتُهُ بِالَّذِي خَرَجْتُ لَهُ، فَقَالَ: إِنْ كُلَّ مَنْ رَأَيْتَ فِي ضَلَالٍ. فَمِنْ أَنتَ قُلْتُ أَنَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ اللَّهِ تَعَالَى وَ مِنَ السُّوْكِ وَالْقَرْظِ، قَالَ فَإِنَّهُ قَدْ خَرَجَ فِي أَرْضِكَ نَبِيٌّ أَوْ هُوَ خَارِجٌ يَدْعُو إِلَيْهِ، اذْجِعْ فَصَدَّقْهُ وَ اتَّبِعْهُ، وَ آمِنْ بِمَا جَاءَ بِهِ، فَلَمْ أُحْسِ نَبِيًّا بَعْدُ. وَ أَنَاخَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْبَعِيرَ الَّذِي تَحْتَهُ ثُمَّ قَدَمْنَا إِلَيْهِ السَّفَرَةَ الَّتِي كَانَ فِيهِ الشُّوَاءُ، فَقَالَ: «مَا هَذَا؟» قُلْنَا: هَذِهِ الشَّاةُ ذَبَحْنَاهَا لِنُصْبٍ كَذَا وَ كَذَا، فَقَالَ: «إِنِّي لَا أَكِلُ شَيْئًا ذُبِحَ لِغَيْرِ اللَّهِ»، ثُمَّ تَفَرَّقْنَا، وَ كَانَ صَنْمَانٍ مِنْ نَحَاسٍ يُقَالُ لَهُمَا إِسَافٌ وَ نَائِلَةٌ، فَطَافَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ طُفْتُ مَعَهُ، فَلَمَّا مَرَرْتُ مَسَحَتْ بِهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «لَا تَمَسَّهُ أَلَمْ تُنْهَ؟»... قَالَ: وَ مَاتَ زَيْدُ بْنُ عَمْرٍو وَ بَنُ نُفَيْلٍ قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ النَّبِيُّ (ص). فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةٌ وَحِدَةٌ».

درباره چگونگی روایت اصیل ابواسامه: ۱. با توجه به روایت منقول از محمد بن عمرو، مروی عنه وی. ۲. با استناد به دیگر روایات منقول از ابواسامه در منابع بعدی (نک: طبرانی، بی تا، ج ۵، ص ۸۵/ حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۶/ بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۲۶) که همه مشابه روایت مفصل او در سنن نسائی هستند، بدین نتیجه می‌رسیم که روایت اصیل وی، نیز مفصل بوده و این روایت یا توسط راویان ابواسامه، محمود بن غیلان و ابوکریب و یا حربی نویسنده این روایات در غریب الحدیث، مختصر شده است. با استناد به اینکه، تقریباً تمام روایات غریب الحدیث حربی به صورت مختصر نقل شده‌اند و هدف حربی، تبیین مفهوم احادیث بوده و نه ذکر آنها، به احتمال زیاد، خود حربی این روایات را مختصر کرده است.

۴-۳-۲- حلقه مشترک تحریرهای سعید بن زید بن عمرو و ویژگی‌های متون او

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تنها حلقه مشترک سه تحریر منقول از سعید بن زید، مسعودی در طبقه چهارم است که با احتساب تحریر منقول از هشام بن سعید، راوی ۴ تحریر است. در تمام این روایات، تنها کدهای (E^3) (F^3) مشترکند (نک: جدول، ح ۲، ۳، ۵، ۱۳).

اما در دو روایت از آنها، کد (G^3) (نک: جدول، ح ۲ و ۵)، در دو روایت کد (H^2) (نک: جدول، ح ۳ و ۵) و در دو روایت هم کد (E^1) آمده است (نک: جدول، ح ۳ و ۱۳). از آنجا که این سه کد (E^1 / G^3 / H^2)، از بین تمامی روایات مورد بررسی، تنها در دو روایت از چهار روایت منقول از مسعودی از راویان مختلف نقل شده‌اند، به احتمال زیاد، این سه کد، مشخصه خاص روایات وی هستند و روایت منقول از مسعودی حداقل بدین شرح بوده است: «مَرَّ زَيْدُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَعَلَى زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ، وَهُمَا يَأْكُلَانِ مِنْ سُفْرَةٍ لَهُمَا، فَدَعَاوَاهُ، فَقَالَ: يَا ابْنَ أَخِي، إِنِّي لَا أَكُلُ مِمَّا ذُبِحَ عَلَى النَّصْبِ، قَالَ: فَمَا زَيْتِي النَّبِيِّ (ص) بَعْدَ ذَلِكَ أَكَلْتُ شَيْئًا مِمَّا ذُبِحَ عَلَى النَّصْبِ. قَالَ (سعید): قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَبِي كَانَ قَدْ رَأَيْتَ وَبَلَّغْتَكَ، وَلَوْ أَدْرَكَكَ لِأَمْنٍ بِكَ وَاتَّبَعْتَكَ، فَاسْتَغْفِرْ لَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَاسْتَغْفِرْ لَهُ».

۴-۳-۳- حلقه‌های مشترک تحریرهای عبدالله بن عمر و ویژگی‌های متون آنها

موسی بن عقبه، CL روایات منقول از ابن عمر در طبقه سوم با ۸ متن و ۱۰ سند است، کدهای ۷ متن منقول از وی، کاملاً یکسانند که عبارتند از: (A^2 / A^3 / E^2 / F^3 / F^4) (نک: جدول، ح ۴، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۷)، البته تفاوت‌های بسیار ناچیزی در واژه‌پردازی دارند. روایت وی بدین شرح است: «أَنَّ (رسول الله) لَقِيَ زَيْدَ بْنَ عَمْرٍو بْنِ نُفَيْلٍ بِأَسْفَلِ بَلَدِ وَذَلِكَ قَبْلَ أَنْ يُنَزَلَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْوَحْيُ، فَقَدَّمَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (ص) سُفْرَةً فِيهَا لَحْمٌ فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا، ثُمَّ قَالَ: إِنِّي لَا أَكُلُ مِمَّا تَذْبَحُونَ عَلَى أَنْصَابِكُمْ وَلَا أَكُلُ إِلَّا مِمَّا ذَكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ».

متن متفاوت با این ۷ متن، تحریری در صحیح بخاری است، که در آن کد (E^2) به (E^4) تبدیل شده و کد (B^3) به آن افزوده شده است، این دو کد از بین تمام تحریرهای بررسی شده، فقط در این تحریرها ذکر شده‌اند. به نظر می‌رسد قسمت انتهایی این روایت که در آن کد (B^3) ذکر شده، متعلق به روایت نبوده، بلکه خبر دیگری در مغازی موسی بن عقبه بوده (نک: ابن سعد، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۰) و با استناد به اینکه تنها در تحریر دیگری که با سه سند از فضیل بن سلیمان در دلائل النبوة (نک: بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۲۱) نقل شده، آمده است، توسط فضیل بن سلیمان در ادامه روایت نخست افزوده شده، لکن از آنجا که در ادامه روایت و بی ذکر نشانه‌ای نقل شده، جزو روایت محسوب شده است. البته، ذهبی بخاری را مسئول این افزوده می‌داند (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۱۳۳).

اما درباره تبدیل کد (E^2) به (E^4)، با استناد به ۱. وجود کد (E^2) در تحریر دیگر بخاری (نک: جدول، ح ۹)، ۲. وجود کد (E^2) در تمامی دیگر روایات منقول از موسی بن عقبه، اطمینان می‌یابیم که کد (E^4) متعلق به روایت اصیل موسی بن عقبه نیست. بنابراین، این تحریر یا توسط دو راوی مذکور در سند بین موسی بن عقبه و بخاری، یعنی فضیل بن سلیمان و محمد بن ابی بکر، و یا خود بخاری با هدف رفع تعارض این روایت با مسئله عصمت

پیامبر (ص) تغییر یافته است. البته، با توجه به دیگر تحریر منقول از فضیل بن سلیمان (نک: بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۲۱) که شامل کد (E²) است، به احتمال زیاد وی مسئول این تغییر نیست، گرچه محققان مسند ابن حنبل، فضیل را مسئول این تغییر در روایت دانسته‌اند (نک: ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۹، ص ۲۷۰).

نکته مهم دیگر این است که در این تحریر، مرجع ضمیر فابی در عبارت «فَأَبَى أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا» براساس ساختار روایت به پیامبر (ص) بر می‌گردد و برخی شارحان صحیح بخاری هم، مرجع ضمیر را پیامبر (ص) دانسته‌اند (نک: ابن حجر ج ۷، ص ۱۰۸)، بنابراین، این عبارت در صحیح بخاری بدین شکل آمده و تحریفی رخ نداده است، اما با در نظر گرفتن ادامه روایت و مفهوم آن، اباءکننده از خوردن گوشت، زید بن عمرو بوده است نه پیامبر اکرم (ص). مؤید این مطلب، همین تحریر در دلائل النبوة بیهقی است که این عبارت، با ذکر اسم زید (فَأَبَى زَيْدٌ أَنْ يَأْكُلَ مِنْهَا) آمده است (نک: بیهقی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۲۱). بدین ترتیب، در این تحریر هم در اصل کد (E²) وجود دارد نه کد (E⁴).

روایات منقول از سه PCL بعد از موسی بن عقبه، یعنی زهیر بن معاویه، معلی بن اسد و عفان بن مسلم، همان ویژگی‌های روایت موسی بن عقبه را دارند. بنابراین، نقل سه شاگرد موسی بن عقبه، یعنی وهیب بن خالد، زهیر بن معاویه و عبدالعزیز بن مختار، از وی، دقیق و کامل بوده است. در نتیجه، با توجه به اینکه موسی بن عقبه، نویسنده کتاب مغازی بوده، به احتمال زیاد، شاگردان وی این روایت را از طریق سماع یا قرائت از کتاب وی اخذ کرده‌اند.

نتیجه: براساس بررسی‌های فوق، سه دسته تحریر مختلف درباره این موضوع از سه مرجع متفاوت وجود دارد. هر دسته ویژگی‌های خاص خود را دارد، متن اصیل منقول از هر سه CL این روایات به‌طور تقریبی مشخص شد. در تمامی این روایات تنها دو زیرمقوله (چگونگی مصرف غذا=E و واکنش زید بن عمرو در برابر دعوت به غذا=F) مشترکند. بنابراین، احتمالاً ابتدا یک هسته اولیه‌ای از این روایت وجود داشته که شامل این دو زیرمقوله بوده است، سپس توسط دو جاعل یا راوی مختلف تغییر کرده، بدین ترتیب سه تحریر مختلف منتشر شده است. حلقه مشترک کامل‌ترین تحریر این روایت که تمام مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها را جز یک زیرمقوله (تأثیر سخنان زید در کردار پیامبر (ص)=G) دارد، محمد بن عمرو مدنی (م ۱۴۴-۱۴۵) است. بنابراین، گرچه این روایت کامل، اولین بار در منابع نسبتاً متأخرتر یعنی در الآحاد و المثانی و سنن نسائی ذکر شده، اما در زمان نگارش کهن‌ترین منبع موجود این روایات یعنی سیره ابن اسحاق موجود بوده است.

۵- شرایط اجتماعی-سیاسی نشر این احادیث

براساس CLهای این دسته روایات، نشر آنها بیشتر در نیمه قرن دوم یعنی زمانی که اولین کتاب‌های سیره نبوی مانند مغازی موسی بن عقبه و سیره ابن اسحاق تدوین شده‌اند، صورت گرفته است و این دو کتاب هم حاوی این روایت بوده‌اند. بعید به نظر می‌رسد این روایات در آن زمان یعنی در دوران خلافت بنی عباس (۱۳۲-۹۲۳ ق.)، توسط CLهای آنها یعنی موسی بن عقبه، محمد بن عمرو و مسعودی، جعل شده باشند. بنابراین، احتمالاً آنها

روایات را حداقل از برخی مروی‌عنه‌های ادعایی خود اخذ کرده‌اند و به سبب اشتغال و توجه به جمع‌آوری و تدوین اخبار سیره پیامبر (ص) در آن برهه زمانی^۱، این روایات در آن دوره به صورت گسترده‌ای نشر یافته‌اند. این روایات بیانگر فضایل زید بن عمرو بن نفیل هستند. وی یکی از حنفاء دوران جاهلیت بود که ظاهراً قبل از بعثت پیامبر (ص) درگذشته است، اخباری درباره جستجوی دین توحیدی توسط وی، انذار و هشدار وی به مشرکان مکه در مورد بت‌پرستی و خوردن گوشتی که با نام خداوند ذبح نشده، کوچ وی از مکه به سبب آزار مشرکان و تمجید او توسط پیامبر (ص) نقل شده است (نک: ابن اسحاق، بی‌تا، صص ۹۵-۱۰۰/ ابن سعد، بی‌تا، ج ۳، صص ۳۷۹-۳۸۱). این روایات ذیل عناوین: شرح حال حنفاء قبل از بعثت، مناقب زید بن عمرو بن نفیل، شرح حال و مسند سعید بن زید بن عمرو آمده‌اند، روایات خوردن گوشت حرام توسط پیامبر (ص) نیز در کنار این اخبار و یا در مسند ابن عمر و احادیث زید بن حارثه ذکر شده‌اند. تنها در یک موضع با عنوان باب «مَا ذُبِحَ عَلَيَّ النَّصْبِ وَالْأَصْنَامِ» (بخاری، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۲۲۵) یک تحریر این روایت آمده است. بنابراین، هدف اکثر مؤلفان ذکر فضیلتی برای زید بن عمرو بوده است. احادیث مورد بررسی هم، با تمسک به اخبار فضایل زید بن عمرو جعل شده‌اند.

به احتمال زیاد انگیزه جاعل یا جاعلان این روایت، فضیلت‌تراشی برای زید بن عمرو و به تبع آن، نزدیکان زید بوده است. زید بن عمرو، پسر عمومی عمر بن خطاب و پدر سعید بن زید صحابی، یکی از مراجع این روایت است، بنابراین، فضایل وی می‌توانسته باعث افتخار پسرش سعید و عمر بن خطاب باشد، هرچند شاهدی بر این تفاخر وجود ندارد. تنها نکته مورد اشاره، خبری درباره مراجعه سعید بن زید و عمر بن خطاب به پیامبر اکرم (ص) و پرسش آنها درباره زید است (نک: ابن سعد، ج ۳، ص ۳۸۱).

از بین سه مرجع ادعایی این روایت (زید بن حارثه، سعید بن زید و ابن عمر) زید بن حارثه نمی‌تواند جاعل روایت باشد زیرا او در سال هشتم در جنگ مؤتة به شهادت رسید (مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۳۵) و روایت بیانگر فضیلتی برای وی نیست. اما دو نفر دیگر، انگیزه جعل این روایت را داشته‌اند، البته انگیزه سعید بن زید، بیشتر بوده و با توجه به کهن‌تر بودن وی از ابن عمر، متهم بودن او به جعل روایت عشره مبشره (نک: امینی، ۱۳۹۷، ج ۹، ص ۱۸۲/ کورانی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۹۷) و لغزش او در عدم یاری امام علی (ع) در جنگ جمل با وجود بیعت با آن حضرت (نک: ابن ابی‌الحدید، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۱۱۵)، احتمالاً وی جاعل روایت است.

از آنجا که ابن عمر، یکی از راویان سعید بن زید (مزی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۴۴۶) بوده، محتمل است که وی شکل ابتدایی روایت را از سعید اخذ کرده است. تفاوت‌هایی که در این دو تحریر وجود دارد، می‌تواند توسط خود ابن عمر یا دو راوی بعد از وی بوجود آمده باشد. تفاوت‌های مهم این دو تحریر، یکی حذف سخن سعید بن زید مبنی بر استغفار پیامبر اکرم (ص) برای پدرش و دیگری، حذف کد (خوردن غذا توسط پیامبر (ص) و زید بن

۱. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تدوین سیره پیامبر (ص) در آن دوره، تألیف سیره ابن اسحاق به دستور منصور خلیفه عباسی است (شولر، ۱۳۹۱، ص ۷۱).

حارثة^۱=E^۱) در تحریر ابن عمر است. حذف سخن زید، احتمالاً به سبب انتساب این روایت به پیامبر (ص) و حذف کد (E^۱) هم با انگیزه رفع تعارض بارز روایت با مسئله عصمت پیامبر صورت گرفته، یکی از دلایل انتشار گسترده‌تر روایت ابن عمر هم، حذف کد (E^۱) در تحریر وی است، چرا که این کد صراحتاً مخالف با عصمت است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را توجیه کرد. دلیل دیگر، شهرت ابن عمر و هم‌چنین انتساب تحریر وی به پیامبر اکرم (ص) است.

جاعل تحریر دیگر این روایت (تحریر زید بن حارثة) می‌تواند فرزند زید، اسامة باشد که از یک سو، در زمان خلافت عمر، روابط بسیار خوبی با عمر داشت (نک: مزی، ۱۴۰۶، ج ۲، صص ۳۳۸-۳۴۷) و از سوی دیگر، با وجود بیعت با امام علی (ع) از یاری ایشان خودداری کرد (نک: ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱۸، ص ۱۱۵) و در صدق باج خواهی از آن حضرت بود (نک: ابوهلال ثقفی، بی تا، ج ۲، ص ۵۷۷/ ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۲). البته وی انگیزه کافی برای جعل این روایت نداشته است.

دو راوی اسامة، یعنی ابوسلمة بن عبدالرحمان و یحیی بن عبدالرحمان، هر دو از راویان ابن عمر هم هستند، ابوسلمة راوی سعید بن زید نیز است. براساس نمونه‌هایی از احادیث ابوسلمة، کسب منصب قضاوت مدینه در زمان امارت سعید بن عاص (نک: ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۱۵۵)، مخالفتش با ابن عباس (مزی، ۱۴۰۶، ج ۳۳، صص ۳۷۰-۳۷۶) و اینکه فرزند عبدالرحمان بن عوف است، وی تمایلات اموی و ضد علوی داشته است و با توجه به اینکه پدر یحیی بن عبدالرحمان، به همراه نعمان بن بشیر، پیراهن خونی عثمان را به شام نزد معاویه برد (نک: ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۳۴، ص ۲۷۹) و یحیی با وجود اینکه، از محدثان بزرگ مدینه و کثیرالحدیث بوده، روایتی را از اهل بیت علیهم السلام نقل نکرده^۱ او نیز احتمالاً متمایل به امویان بوده است. بنابراین، محتمل است هر دو نفر یا یکی از آنها این تحریر را از مرجع دیگری (سعید بن زید یا ابن عمر) اخذ کرده و به اسامة نسبت داده باشند. البته این احتمالی ضعیف است و شاهدی بر تبانی این دو نفر در این کار وجود ندارد.

راوی این دو نفر، محمد بن عمرو بن علقمة، CL این تحریر، از راویان ضعیف شمرده شده و نقل شده که روایتی را یکبار با سند منقطع و بار دیگر، با سند متصل نقل می‌کرده است. هم‌چنین وی از راویان سالم بن عبدالله (مزی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، صص ۲۱۲-۲۱۸)، راوی تحریر ابن عمر نیز است. نکته دیگر اینکه، این تحریر بسیار مفصل است و با دو تحریر دیگر تفاوت‌های زیادی دارد. در اینجا، چند احتمال مطرح می‌شود: ۱. محمد بن عمرو، روایت را از سالم بن عبدالله اخذ کرده، اما با تغییر بسیار آن، روایت جدیدی ساخته و سند جدیدی هم جعل کرده باشد. ۲. وی روایت را از دو استاد ادعایی خود در این سند اخذ کرده، اما دو راوی انتهایی سند (اسامة و زید بن حارثة) را تغییر داده است، بدین معنی که مروی‌عنه‌های وی روایت را به ابن عمر نسبت داده بودند، نه اسامة. ۳. او تحریر سعید بن زید را از ابوسلمة اخذ و متن و سند جدیدی برای آن جعل کرده است. ۴. اسامة بن زید، راوی و جاعل این روایت براساس روایت سعید یا ابن عمر بوده و محمد بن عمرو، روایت را با صداقت نقل

۱. روایات منقول از وی در مصادر حدیث، تفسیر، سیره، رجال و تاریخ مشاهده شد.

کرده است. به هر حال، به سبب عدم وجود تحریرهای بیشتری از این روایت، نمی‌توان به نتیجه دقیقی در این باره دست یافت.

نتیجه‌گیری

تحلیل روایات خوردن گوشت حرام توسط پیامبر (ص)، بیانگر وجود سه تحریر مختلف از این روایت است. کوتاه‌ترین تحریر، تحریر سعید بن زید بن عمرو بن نفیل که مقوله اول، یعنی بستر ماجرا را ندارد و شامل دو مقوله آخر روایت، یعنی اصل ماجرا و تأثیر سخنان زید بن عمرو بر پیامبر (ص)، است که احتمالاً توسط خود سعید و با انگیزه کسب محبوبیت اجتماعی جعل و نقل شده است. سپس تحریر عبدالله بن عمر با اعمال تغییراتی در تحریر سعید و انتساب آن به پیامبر (ص) منتشر شده است، که شامل دو مقوله اول، یعنی بستر روایت و اصل ماجرا است، خیلی مختصر مکان و زمان ملاقات زید بن عمرو با پیامبر و اجرای دعوت از او به غذا را بیان کرده، اما درباره تأثیر سخنان زید بر پیامبر (ص) چیزی نمی‌گوید. تحریر زید بن حارثه، مفصل‌ترین تحریر، شامل هر سه مقوله و تقریباً همه زیر مقوله‌های روایت است، این تحریر احتمالاً بعد از دو تحریر دیگر ساخته شده، خاستگاه مکانی پیدایی هر سه تحریر مدینه است. این روایات در نیمه قرن دوم به سبب توجه و تلاش علماء برای جمع‌آوری سیره پیامبر (ص) در آن برهه زمانی، توسط حلقه‌های مشترک این تحریرها در مدینه، کوفه، بصره، بغداد، واسط، مرو و بلخ به صورت گسترده نشر یافته‌اند.

منابع و مأخذ

-قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید؛ شرح نهج البلاغة؛ به کوشش: محمدابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، بی تا.
۲. ابن ابی عاصم، احمد؛ الآحاد و المثانی؛ به کوشش: باسم فیصل، ریاض: دار الدرایة، ۱۴۱۱ ق.
۳. ابن اسحاق، محمد؛ السیرة؛ به کوشش: محمد حمید الله، بی جا: معهد الدراسات و الأبحاث للتعریف، بی تا.
۴. ابن جوزی؛ کشف المشکل من حدیث الصحیحین؛ به کوشش: علی حسین بواب، ریاض: دارالوطن، ۱۴۱۸ ق.
۵. ابن حنبل، احمد؛ المسند؛ به کوشش: عامر غضبان، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ ق.
۶. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری؛ بیروت: دارالصادر، بی تا.
۷. ابن طاووس، علی؛ الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف؛ قم: خیام، ۱۳۹۹ ق.
۸. ابن عساکر، علی؛ تاریخ مدینة دمشق؛ به کوشش: علی شیری، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.
۹. ابوهلال ثقفی، ابراهیم؛ الغارات؛ به کوشش: محدث ارموی، بی جا، بی تا.
۱۰. اتسلندر، پیتر؛ روش های تحقیق اجتماعی؛ ترجمه: کاظم زاده، تهران: قدس، ۱۳۷۱ ش.
۱۱. امینی، عبدالحسین؛ الغدیر فی الکتاب و السنة و الادب؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ ق.
۱۲. بخاری، اسماعیل بن ابراهیم؛ صحیح البخاری؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۱ ق.
۱۳. بلاذری، احمد بن یحیی؛ انساب الاشراف؛ به کوشش حمیدالله، مصر: دارالمعارف، ۱۹۵۹ ق.
۱۴. بیهقی، احمد؛ دلائل النبوة؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵ ق.
۱۵. حاکم نیشابوری، محمد؛ المستدرک علی الصحیحین؛ به کوشش یوسف مرعشلی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۱۶. حسینی میلانی، علی؛ استخراج المرام من استقصاء الإفحام؛ قم: شریعت، ۱۳۸۳ ش.
۱۷. حربی، ابراهیم؛ غریب الحدیث؛ به کوشش: سلیمان بن ابراهیم، جده: دارالمدینة، ۱۴۰۵ ق.
۱۸. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد؛ سیر اعلام النبلاء؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
۱۹. زرکشی، بدرالدین؛ تنقیح لالفاظ الجامع الصحیح؛ بی جا: مکتبة الرشد، ۲۰۰۷ م.
۲۰. سبحانی، جعفر؛ الحدیث النبوی بین الروایة و الدراییة؛ قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع)، ۱۴۱۹ ق.
۲۱. سهیلی، عبدالرحمن بن عبدالله؛ الروض الأنف فی تفسیر السیرة النبویة لابن هشام؛ به کوشش طه عبد الرؤوف سعد، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۲۲. شولر، گریگور؛ شفاهی و مکتوب؛ ترجمه: نصرت نیل ساز، تهران: حکمت، ۱۳۹۱ ش.
۲۳. شیری، مرجان/ نیل ساز، نصرت؛ «واکاوی قواعد مشترک در شیوه های نقد حدیث مسلمانان و روش های تاریخ گذاری روایات خاورشناسان»؛ مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، تهران، سال ۲۶، شماره ۶۷، صفحات ۲۵۱-۲۸۲، ۱۳۹۹ ش.
۲۴. طالب، مهدی؛ چگونگی انجام مطالعات اجتماعی؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
۲۵. طبرانی، سلیمان؛ المعجم الکبیر؛ به کوشش حمدی عبدالحمید، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۲۶. طیب السی، سلیمان بن داود؛ المسند؛ بیروت: دارالمعرفة، بی تا.

۲۷. عاملی، جعفر مرتضی؛ *الصحيح من سيرة النبي الأعظم (ص)*؛ قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.
۲۸. کورانی، علی؛ *ألف سؤال وإشكال*؛ قم: دار الهدی، ۱۴۲۴ ق.
۲۹. کیوی، ریمون/ کامپنهود، لوکوان؛ *روش تحقیق در علوم اجتماعی*؛ ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۷۳ ش.
۳۰. مزّی، جمال‌الدین یوسف بن عبدالرحمن؛ *تهذیب الکمال*؛ به کوشش: بشار عواد، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ ق.
۳۱. موتسکی، هارالد؛ «حدیث پژوهی در غرب: مقدمه‌ای در باب خاستگاه و تطور حدیث»، ترجمه: مرتضی کریمی‌نیا، در: کریمی‌نیا، مرتضی، *حدیث اسلامی خاستگاه‌ها و سیر تطور*، قم: دارالحدیث، صفحات: ۱۷۵-۷۹، ۱۳۹۰ ش.
۳۲. _____؛ «*ارزیابی تاریخ‌گذاری احادیث*»، «الف»؛ ترجمه: سید علی آقایی، در: آقایی، سید علی، *تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها*، تهران: حکمت، صفحات: ۲۱-۸۰، ۱۳۹۴ ش.
۳۳. _____؛ «*مطالعات حدیثی به کجا می‌رود؟*»، «ب»؛ ترجمه: زهرا مبلغ، در: آقایی، علی، *تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها*، تهران: حکمت، صفحات: ۳۳۱-۴۱۶، ۱۳۹۴ ش.
۳۴. نسائی، احمد بن شعیب؛ *السنن الکبری*؛ تحقیق عبد الغفار سلیمان البنداری، سید کسروی حسن، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ ق.
۳۵. هولستی، آل-آر؛ *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*؛ ترجمه: سالارزاده، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳ ش.
۳۶. ینبل، خوتیر؛ «*بازنگری برخی اصطلاحات حدیثی*»؛ ترجمه شادی نفیسی/ فاطمه صادقی، در: آقایی، سید علی، *تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها*، تهران: حکمت، صفحات: ۴۱۷-۴۶۸، ۱۳۹۴ ش.
37. Schoeler, Gregor; *The Biography of Muhammad*, Routledge, 2011.
38. Motzki, Harald; "The Collection of the Quran: A Reconsideration of Western Views in Light of Recent Methodological Development"; Der Islam, 2001.